

شماره هفت

مقدمه: دکتر محمد تمیمی

و هفت پیکر نظامی

I - اهمیت عدد هفت

II - هفت در تاریخ ایران

ضمن نامهای خاص ایران، بنام «هفتان» بخت «برمیخوریم که در کار نامک اردشیر بابکان از هم آوردان و دشمنان اردشیر اول، شاهنشاه ساسانی شمرده شده، اگرچه نولدکه (۳) منظور از هفتان را هفت سیاره دانسته که نزد ایرانیان باستان نحس و شوم بوده است و گوید بنا برین اسم مذکور برای توهین باین شخص داده شده است (۴) ولی این وجه تسمیه بسیار بعید بنظر میرسد و بیشک مراد از هفتان، هفت امشاسپند است. هفتان بخت در شاهنامه فردوسی بصورت «هفتواد» درآمده است (۵).

اشک اول (مؤسس سلسله اشکانی) راهفت قن از بزرگان برقرار تخت نشانده اند. در عهد ساسانیان نیز هفت طایفه از شرفای کشور محسوب میشده اند (۱). بقول جاحظ در کتاب الحاسن والاضداد، در جشنهای نوروز و مهرگان در دربار شاهنشاهان ساسانی در خوانچه ای هفت شاخه از درخت هائی که مقدس میدانستند، مانند زیتون و بیدوانار و به وغیره میگذاشتند و در هفت پیاله سکه سپیدونو می نهادند (۲).

III - هفت در تاریخ جهان

بنظر میرسد که این جشن در سومین روز اعیاد منعقد میشد و اولین آنها پنجمین (۱۳) نام داشت زیرا در پنجمین روز پس از یازدهم مارس صورت میگرفت و سیتی ماقری در هفتمین روز برپا میشد.

در تاریخ جهان نیز با اتفاقاتی بر میخوریم که شماره هفت را در آنها دخالت تام است و ما چند نمونه از آنها را در ذیل یاد میکنیم:

(۷) مشتق از سبتم (۷) بمعنی هفت و سبتمی من تیم (۱۴) منس (۱۵) بمعنی کوه (نام جشن سالیانه ای که در سومین روز از یازدهم دسامبر منعقد میشد. منشأ آن از زمانی است که هفتمین به در داخل حصار روم قرار گرفت.

(۶) سبتمی یا سبتمی ماتریا (۱۰) (مشتق از سبتم (۷) لاتینی بمعنی هفت نام جشنی که در دلفس (۸) یونان در زمان تسلط رومیان، هر هفت سال یکبار منعقد میشد و محتملا این جشن دنباله بازیهای پیشی (۹) است که در حدود قرن سوم میلادی منقطع شد.

سال ۱۶۵۲ در روم مجمعی دینی برای دختران تارک دتیا بدین نام (۱۶) بوسیله کامی و برژیینی فارنز (۱۷)؛

(۱۰) سبتمی ماتریا (۱۱) بمعنی مادر (نام جشنی در روم قدیم با افتخار می نرو (۱۲).

(۱) L'Empire des Sassanides. p. 6 et 8.

(۲) هنوز هم در جشن نوروز آراستن هفت سین معمولست

(۳) Nöldeke

(۴) اردشیر بابکان، نولدکه، ص ۴۹-۵۰.

(۵) پیشها ج ۱ ص در فرهنگها «واد» را بمعنی بسر گرفته، هفتواد را دارای هفت بسر بنداشته اند.

(۶) Septeria (بفرانسه) Septem. (۷) Delphes. (۸)

(۹) Pythiques. (۱۰) Septimatria. (بفرانسه) Septimatrics (۱۱) Mater.

(۱۲) Minerue. (۱۳) Quinquatria. (۱۴) Septimontium. (۱۵) mons.

(۱۶) Sept-Douleurs (Filles oblates des). (۱۷) Camille-Virginie Farnèse

دوشس دلاتر (۱) تأسیس شد . این مجمع بدختران جوان اجازه میداد که صحت و ظرافت خود را با اجرای اعمال مربوط بحیات مذهبی حفظ کنند و آنان از تحمل الزامات عمومی صومه های آن زمان فارغ بودند .

هفت ساله (جنگهای) (۲) جنگهایی است که در زمان لوئی شانزدهم از ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۳ مابین فرانسه و اطریش و روسیه از

یکسوی وانگلیس و بروس از سوی دیگر وقوع یافت و بر اثر شکستها در زمین (رس باخ (۳)) و دریا و مستعمرات (تلفات در هندوستان و کانادا) ، چنگ مزبور

منجر به عاهده پاريس گردید که بموجب آن فرانسه چند مستعمرة بر تروت خود را از دست داد .

سپتینا (۴)

نامی است که بطرز حکومتی که مجمع ملی (۵) فرانسه در ۲۰ نوامبر ۱۸۷۳ برای مدت هفت سال

مقرر شد و این طرز با استغای مارشال ماک ماهون (۶) در ۳۰ نوامبر ۱۸۷۹ پایان یافت .

هفت جزء (۷)

نام مجموعه قوانین دولت اسپانیاست که مرکب است از هفت جزء (۸) .

۶- هفت در افسانهها

در داستانهای ملی ایران ، بروایت شاهنامه نیز عددهفت جلب توجه میکند :

رستم برای نجات کیکاوس و سپاه او که در مازندران بزدان بودند حرکت کرد و برای آنکه زودتر بقصد رسید براهه برگزید و هفت آفت بزرگ (هفت خوان)

اورا پیش آمد ، که از همه نیروی مردی و توکل بیزدان سالم بیرون آمد : در خوان اول رستم بخواب بود . شیری

قصد رستم کرد ، رخس شیر را بگشت . در خوان دوم تشنگی بسیار بر او غلبه کرد و به هدایت میشی بچشمه

گوار اراه برد . در خوان سوم ازدهایی پدید شد و بدست رستم کشته شد و در خوان چهارم زنی ساحر بفریب دادن رستم برداخت ولی او نیز کشته گردید . در خوان پنجم اولاد با لشکر خود بچنگ او آمد و رستم او را گرفتار ساخت . در خوان ششم رستم با ارژنگ دیو بچنگ برداخت .

در خوان هفتم باد بوسید بیکار کرد و او را بگشت و ایرانیان و شاه را نجات داد (۹) .

همچنین اسفندیار را در راه « روئین دژ » توران برای چنگ (دوم) باار جاسب هفت خوان پیش آمد : در خوان اول دو گرگ را بگشت . در خوان دوم شیران را بگشت . در خوان سوم ازدها را بگشت . در

خوان چهارم زن جادو را و در خوان پنجم سیمرغ را بگشت . در خوان ششم از برف و باران و باد گذر کرد و در خوان هفتم از رود بگذشت و گرگسار را بگشت آنکاه بیجامه

بازرگان بروئین دژ رفت (۱۰) . نظامی در (خطاب زمین بوس) گوید (۱۱) :

گر کیان را بطالع فرخ

هفتخوان بود با دوازده رخ آسان با بروج او بدرست

هفتخوان و دوازده رخ تست

(۱) Latere. (۲) Sept ans (guerre de). (۳) Rossbach. (۴) Septennat. (۵) Assemblé nationale. (۶) Mac-Mahon. (۷) Sept parties. (۸) cf. Encyc. Brit., B.N.L.I. (۹) شاهنامه چاپ بروخیم جلد ۲ ص ۳۳۵-۳۷۸. (۱۰) همان کتاب جلد ۶ ص ۶۵۸-۶۰۸. (۱۱) هفت پیکر چاپ ارمنان ص ۳۰. (۱۲) Sept-Douleurs (Filles ophates des) (۱۳) Camille-Virginie Farnese

می بیند و آنها را بشاه میدهد و نجات می یابد . کل خندان نیز دارای هفت خواهر است (۹) .

در افسانه دیگری پادشاهی بیمار شود و علاج او را خوردن ماهی هفت رنگ دانند . ماهی را حاضر آوردند و پسر پادشاه دادند ، ماهی از او رهایی خود را خواستار شد و پسر پادشاه اجابت کرد شاه بقتل پسر فرمان داد و پسر فرار کرد و ماهی هفت رنگ بصورت مردی ، شریک و همراه او گردید و وی را بدامادی پادشاه کشور دیگر مفتخر ساخت و قصری برای او بنا کرد و جواهر بسیار بدو بخشید (۱۰) . در روایتی از ابن هشام قبر تاجه دختر ذوالشفر ملکه بین برادر سیل حفر شد جسد ملکه را در آن یافتند که در گردن وی هفت گردن بند از در بود و در دستها و پاهای وی دست برنجن ها و خلخال ها و انگوها هفت هفت بود (۱۱) .

بقول شاهنامه سومین هدیه فریدون بایرج گوهر « هفت چشمه » بود (۱) :

سدیگر کجا هفت چشمه گهر
همی خواندی نسام او دادگر
هفت تن از پادشاهان مقتدر ، در داستانهای ملی ما بنام « هفت خدایان » (هفت پادشاه) و حکومت آنان هفت ، خدائی خوانده شد و آنان : یم (جم) ، فریتون انوینان (فریدون پور آبنین) ، مینوشچهر (منوچهر) ، کای اوس (کاوس) ، کیخسرو ، لور هاسپ (لهر اسپ) ، وشتاسپ شه (گشتاسپ) . پادشاهی اژدهاک (ضحاک) تازی و فراسپاک (افراسیاب) تور را در حساب نمی آورند (۲) و آن بخسرو پرویز رسید (۳) :
جواهر تخت طاقدیس خسرو پرویز از ۷۰ تا ۷۰۰ دینار ارزش داشت و بر آن ، دو و هفت شمار ستاره ده و دو و هفت

همان ماه تابان ز برجی که رفت
نقش شده بود (۴) و جامه زر بفت خسرو را ،
بچین در یکی مرد بد بی همال
همی بافت آن جامه را هفت سال (۵)

و بالای آن بنجاه و هفت رش بود و
هم از هفت کشور بر او بر نشان
ز دهقان و از روم گردن کشان (۶)
در داستانهای هزار و یک شب ، عدد هفت چند بار تکرار شده از آن جمله سند باد بخری هفت سفر دریائی کرده عجایب بسیار دیده است (۷)
در داستان « ملک جمشید بسا کل خندان و در گریان » آمده (۸) : ملک جمشید هفت کل سرخ معطر

نام جنگی اساطیری در یونان که
بین اته اکس (۱۳) پادشاه طبس (۱۴)
برادر وی بولونیس (۱۵) و شش
تن از سران دیگر در گرفت .
دو برادر مزبور یکدیگر را در نبردی تن بستن
بکشتند اما پس از ده سال اینگونه ان (۱۶) - پسران سران
هفتگانه - طبس را تسخیر کردند .
ایسخولس (۱۷) (۴۶۷ ق . م) نمایشنامه حزن
آوردی بنام « هفت سران در برابر طبس » در همین
موضوع نوشته است (۱۸) .

(۱) رك : فهرست ولف : هفت چشمه .
(۲) سبك شناسی . آقای بهار ج ۱ ص ۴ ح ۱ .
(۳) شاهنامه بروخیم جلد ۹ ص ۲۸۷۷ .
(۴) همان مجلد ص ۲۸۸۰ .
(۵) همان مجلد ص ۲۸۸۱ .
(۶) همان مجلد ص ۲۸۸۱ .
(۷) رك : هزار و یکشب ترجمه عبد اللطیف طسوجی تبریزی چاپ کلاله خاور ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ .
(۸) نقل از نسخه خطی متعلق بآقای صبحی مهتدی .
(۹) رك : مجله سخن سال سوم شماره ۸ - ۹ .
(۱۰) رك : داستانهای ملل . تحت نظر آقای صبحی مهتدی ، ص ۱۰۱ - ۱۱۱ (داستان مذکور از داستانهای فارسی است) .
(۱۱) رك : منتهی الارب ، ماده (ش ف و) .
(۱۲) Sept Chefs (guerre de)
(۱۳) Etéocle .
(۱۴) Thèbes .
(۱۵) Polynice .
(۱۶) Epigones .
(۱۷) Eschyle .

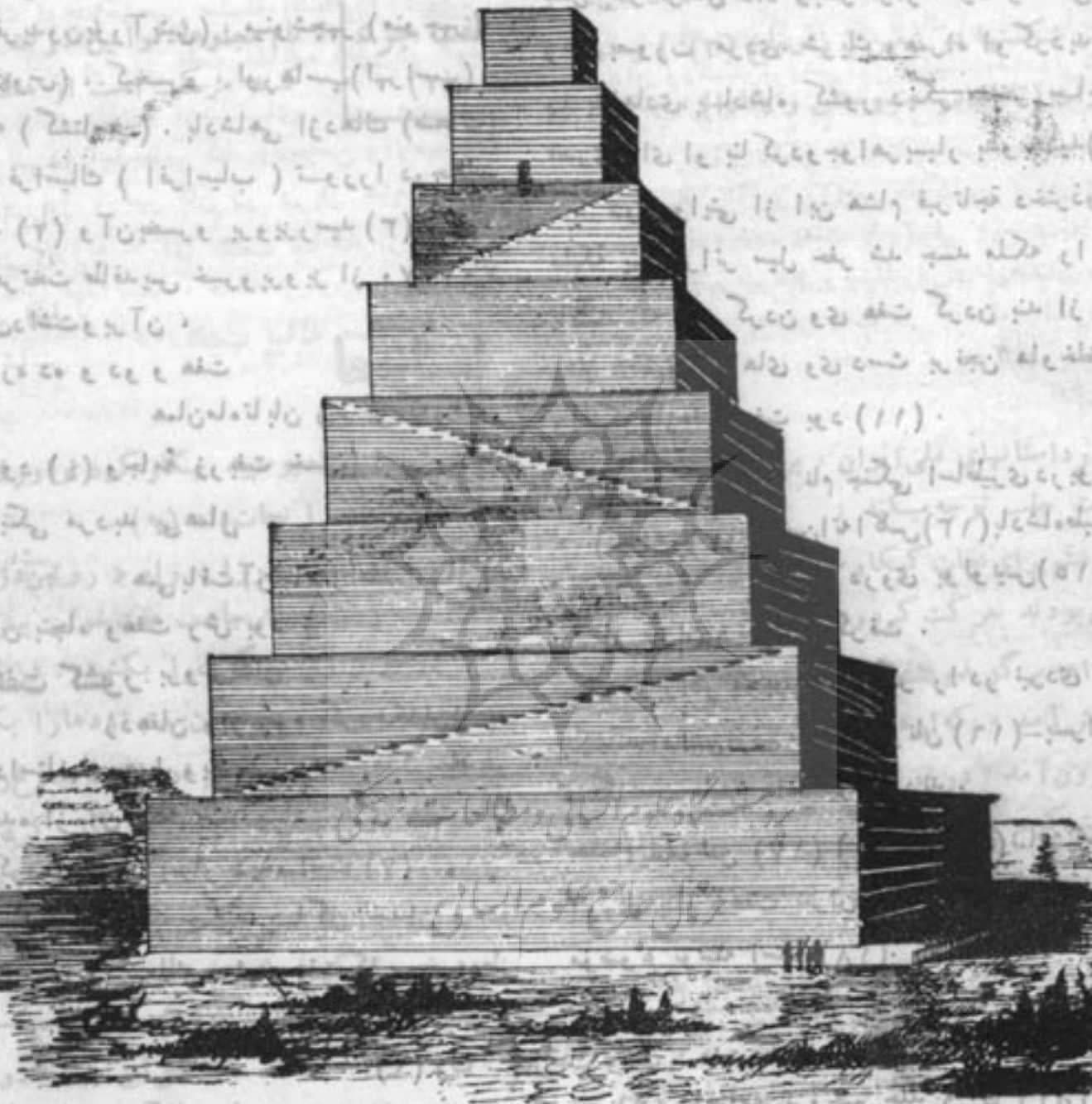
(۱۸) شرح آن در عنوان « هفت در ادبیات » بیاید
(۱۷)

۷ = هفت در اینیه و آثار

معابد هفت طبقه

در کلد و آشور هر معبدی برجی چهار گوش و هفت طبقه داشته و هر طبقه خود سکویی جدا گانه بود که بوسیله جاده ای سر اشیب بطبقه زیرین متصل میشده و هر چه بالاتر میرفته از ارتفاع آن بکاسته

میشده است . نامی است (۱) هر طبقه مخصوص یکی از سیارات بود و برنگ مخصوص آن ملون بود اینچنین : سفید ، سیاه ، ارغوانی ، آبی ، سرخ ، سبزه ، زرد ، (۱) .



هفت احصار همدان

هرودتس نویسد : دیاکو (یونانی Deiokes) پسر فرورتی (یونانی Phraortes) (۷۰۸-۶۵۵ ق.م) پادشاهی کرد (دهگانی) بود که مانند دیگر (مادان) در بده میزیست مردم او را بیادشاهی (بره گزیدند) و او مردم را بر آن داشت که شهری بسازند

و محل هگمتانه (همدان) را انتخاب کرد پس در آنجا بامر شاه کوشکی ساختند که هفت حصار داشت ، دیوار هر یک از حصارهای درونی بر دیوار حصار بیرونی مشرف و آخر دیوار بر همه دیوارها مسلط بود . کاخ شاهی و گنجینه را در آخرین حصار درونی جادادند . هفت حصار همدان هر یک رنگی معین داشت .

(۱) تاریخ ملل شرق و یونان تألیف ژول ایزاک و آلبرماله ترجمه آقای هزیرا من ۸۴ (۸۱)